**باب دوازدهم - لوح مبارک دربارۀ انقطاع**

جمال مبارک در یکی از الواح میفرمایند قوله تعالی :

“ ثم اعلم بان نصب بیننا و بین العباد سلم و له ثلاث درجات الاولی تذکر بالدنیا و زخرفها و الثانیة بالاخرة و ما قدر فیها و الثالثة تذکر بالاسماء و ملکوتها و من جاز عن هذه المقامات یصل الی ملیک الاسماء و الصفات اقرب من حین ایاکم یا اهل البهاء لا تعطلوا انفسکم علی هذه المواقف ثم مروا عنها کمر السحاب و کذلک ینبغی لعبادنا المقربین” انتهی

و نیز در لوح هادی میفرمایند :

“سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء در آنچه مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذکر او محجوب ننماید باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد او است انقطاع و مبدأ و منتهای آن” انتهی

و نیز میفرمایند قوله تعالی :

“ ثم اذکر النعمان الذی کان من اعز الملوک و من قبله احد من الکیان اذ تجلت علی قلبهما شمس الانقطاع ترکا ما عندهما و خرجا عن بیتهما مقبلین الی العراء و ما اطلع بهما الا الله العلیم ان النعمان کان مستویا علی عرش الملک اذ اسمعناه کلمة من کلماتی العلیا اهتز و تفکر و تحیر ثم انتبه و قام و قال مخاطبا الی نفسه لا خیر فیما ملکته الیوم و غدا یملکه غیرک کذلک نبهناه و انا المقتدر القدیر فلما تنفس الصبح و طلع الشمس و جد الامراء العرش متروکا تحیروا و تفحصوا فی الاقطار الی ان یئسوا عما املوا انه لهو العالم الخبیر لعمر الله لو نکشف الغطاء عن العیون کما کشفنا عنه لتری الناس یدعون الدنیا عن ورائهم و یترکون ما یمنعهم عن هذا الافق المنیر طوبی لمن تنور بانوار الانقطاع انه من اهل السفینة الحمراء لدی الله رب العرش العظیم طوبی لمدینة اشرقت شمس الانقطاع من افقها و لارض اضائت من انوارها لعمری لو فازت هذه الدیار بنور من اشراقها لما بلی البهاء بین الاعداء کذلک یقص لک مالک الاسماء لتکون من العارفین” انتهی

و نیز میفرمایند قوله تعالی :

 “ هو العزیز الجمیل اگر چه جمیع ایام را از بدایع فضلش نصیبی علی ما هی علیه عنایت فرمود و لکن ایام ظهور را مقامی فوق ادراک مدرکین مقرر داشته چنانچه اگر جمیع قلوب من فی السموات و الارض در آن ایام خوش صمدانی بآن شمس عز ربانی مقابل شوند و توجه نمایند جمیع خود را مقدس و منیر و صافی مشاهده نمایند فتعالی من هذا الفضل الذی ما سبقه من فضل فتعالی من هذه العنایة التی لم یکن لها شبه فی الابداع و لا لها نظیر فی الاختراع فتعالی عما هم یصفون او یذکرون اینستکه در آن ایام احدی محتاج باحدی نبوده و نخواهد بود چنانچه ملاحظه شد که اکثری از قاصدین حرم ربانی در آن یوم الهی بعلوم و حکمتی ناطق شدند که بحرفی از آن دون آن نفوس مقدسه اطلاع نیافته و نخواهد یافت اگر چه الف سنه بتعلیم و تعلم مشغول شوند اینستکه احبای الهی در ایام ظهور شمس ربانی از کل علوم مستغنی و بی نیاز بوده‌اند بلکه ینابیع علم و حکمت از قلوب و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساری است و بعد سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء از آنچه در مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را ازحب الهی و اشتغال بذکر او محجوب ننماید چنانچه مشهودا ملاحظه میشود که اکثری از ناس الیوم تمسک بزخارف فانیه و تشبث باسباب باطله جسته و از نعیم باقیه و اثمار شجره مبارکه محروم گشته‌اند اگر چه سالک سبل حق بمقامی فائز گردد که جز انقطاع مقامی و مقری ملاحظه ننماید ولکن این مطلب را ذکر ترجمان نشود و قلم قدم نگذارد و رقم نزند ذلک من فضل الله یعطیه من یشاء باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد اوست انقطاع و مبدأ و منتهای آن اذا نسئل الله بان ینقطعنا ممن سواه و یرزقنا لقائه انه ما من اله الا هو له الامر و الخلق یهب ما یشاء لمن یشاء و انه کان علی کل شیء قدیر” انتهی

و نیز در لوح علی نازل قوله تعالی :

“ فاعلم بانا جعلنا قلوب الذین هم انقطعوا عن الدنیا و توجهوا الی شطر اسمی الابهی زبر الحدید بحیث لن یخافنهم شیء عما خلق بین السموات و الارض و هم قسورة آجام القدرة و القوة و قد سلسلهم الله بسلاسل العصمة و لو شاء لیطلقهم بامر من عنده و یسخر بهم کل من فی السموات و الارض و انه لعلی کل شیء قدیر” انتهی